

اقتراح

مفهوم شناسی و روش شناسی تفسیر تربیتی قرآن

با حضور حجج اسلام: علیرضا اعرافی، علی همت بناری،
محمد علی رضایی اصفهانی.

چکیده

این مقاله حاصل نشست تخصصی «مفهوم شناسی و روش شناسی تفسیر تربیتی» است. دانشمندان حاضر در نشست علمی بر این نکته تأکید کردند که تفسیر تربیتی به طیف وسیعی از برداشتهای تربیتی از قرآن (شامل: آموزه های تربیتی آیات، استنباط نظام تربیتی از قرآن و کارکردهای تربیتی قرآن) گفته می شود. در گونه های تفسیر تربیتی به استخدام علوم تربیتی در فهم آیات قرآن و نظریه پردازی تربیتی بر اساس آیات و تطبیق یافته های علوم تربیتی بر قرآن اشاره شد و در مورد اخیر خطر تحمیل و تفسیر به رأی یادآوری گردید. سپس تفسیر تربیتی با دو اسلوب تربیتی (ترتیب نزول و ترتیب مصحف) و موضوعی با چهار شیوه درون قرآنی و برون قرآنی (پیشنهادی شهید صدر) و میان رشته ای و تطبیقی، پیشنهاد شد.

واژه های اصلی: تفسیر، قرآن، تربیت، روش شناسی و تفسیر تربیتی.

دکتر رضایی: با تشکر از حاضران، با مقدمه کوتاه آغاز می‌کنم.

تفاسیر در دوره‌های اولیه تفسیر، بین قرن دوم و سوم، بیشتر روایی بود و این روش در قرن دهم تا دوازدهم هم تکرار شد. قرن چهارم تا ششم دوره تفسیر اجتهادی بود که با فراز و نشیب و رکود تا قرن نهم ادامه پیدا کرد و سرانجام قرن چهاردهم قرن اوج‌گیری مباحث تفسیری بود. شاید در این قرن به اندازه سیزده قرن قبل، کتاب‌های تک‌نگاری و تفاسیر کامل عرضه شد. با توجه به تفاوت‌ها در سبک و روش تفاسیر، به نظر می‌رسد دهه‌های اخیر دوران تحول تفاسیر در کشورهای اسلامی به ویژه ایران است و باید این تحول را از برکات انقلاب اسلامی شمرد. رشته قرآن در جامعه المصطفی‌العالمیه به تدریج به سوی تخصصی شدن گرایش می‌یابد. اتفاقی که در دهه‌های آینده پیش خواهد آمد این است که تفسیرهای عمومی کمتری خواهیم داشت و بیشتر تفسیرهای تخصصی، مثل تفسیر تربیتی، سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، تطبیقی بین شیعه و سنی و... پدید خواهد آمد و ایجاد رشته قرآن و علوم با ده گرایش علمی در جامعه المصطفی‌العالمیه می‌تواند زمینه‌ای بر این حرکت باشد.

در خصوص مباحث تربیتی قرآن می‌توان گفت که امروزه در بحث تفسیر تربیتی، اعجاز تربیتی قرآن مطرح می‌باشد، حتی بعضی این بحث را به عنوان یک موضوع، پایان نامه، کتاب و... در دستور کار دارند. در مورد آموزه‌های تربیتی قرآن برای نمونه در تفسیر سوره‌ی حمد، حدود ۶۰ مورد نکته‌ی تربیتی طی بارش فکری مطرح شد که در سایر تفاسیر کمتر از یک دهم این نکات مطرح شده است و می‌توان به این نتیجه رسید که قرآن دریایی است که هنوز اعماق آن کشف نشده است.

در بخش تاریخچه تفسیر تربیتی می‌توان به کتاب «نخستین تفسیر تربیتی قرآن» آقای حسین میرزا خانی اشاره کرد. این کتاب بیشتر به سمت طرح نکات اخلاقی، عرفانی، فقهی و فلسفی رفته و کمتر موفق شده است به هدف اصلی بپردازد. در مصر نیز نخستین تفسیر تربیتی با عنوان «التفسیر التربوی للقرآن الکریم»، را آقای انور الباز در سال ۲۰۰۷ عرضه کرد. ما در بررسی خود متوجه شدیم تنها یک پنجم حجم آن به نکات تربیتی اختصاص داده شده است. پس می‌توان به این نتیجه رسید که تفسیرهای تربیتی هنوز در ابتدای کار قرار دارند و لازم است حوزه علمی قم و جامعه المصطفی

العالمية گام‌های بلندی در این زمینه بردارند. موضوع این نشست تخصصی «مبانی و روش‌شناسی تفسیر تربیتی» است و می‌خواهد به همگان ایده دهد تا در آینده گام‌های مؤثر و بلندی در این زمینه بردارند.

اعرافى: با تشکر از دوستان؛ چند نکته اساسی را بیان می‌کنم.

اول: بحث تخصصی شدن تفسیر به لحاظ موضوعی می‌باشد، البته در تفاسیر گاهی نگاه معطوف به تقسیم روش‌هاست که خود شامل انواع تفسیرها با ملاحظه روش‌شناسی و روش‌های تفسیر است و گاهی نگاه به قلمرو، موضوع و محتوا است. تفسیرهای تخصصی مورد بحث ما از نوع دوم است. ما وقتی می‌گوییم تفسیر تربیتی، بیشتر نگاهمان به تفسیر تخصصی و از نوع دوم می‌باشد که در واقع تفسیری با محتوای تربیتی در یک قلمرو خاصی از مفاهیم و مضامین قرآنی داریم. رفتن به سمت تفسیرهای تخصصی بسیار مهم است، ولی همواره باید به یاد داشته باشیم که تخصص‌گرایی در قرآن ما را از روح کلی و حاکم و الهام بخش قرآن دور نکند. البته این خطر در بحث تفسیر تربیتی خیلی کمتر می‌باشد.

دوم: تفسیرهای تخصصی که به قلمروهای ویژه‌ای از مضامین و مفاهیم قرآنی می‌پردازند، متنوع‌اند، ولی تفسیر تربیتی جایگاه ویژه‌ای بین تفاسیر تخصصی دارد، چون در تفسیرهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... می‌توان به یک قلمرو ویژه پرداخت و با یک زاویه ویژه به حوزه مفاهیم قرآن توجه کرد، اما در تفسیر تربیتی ضمن پرداخت به یک قلمرو ویژه، باید دانست که همین قلمرو ویژه کاملاً در متن اهداف قرآن است. شالوده‌ی قرآن می‌خواهد انسان‌ها و جوامع را تغییر دهد و این موجب می‌شود تفسیر تربیتی و تفسیر با نگاه تربیتی در میان تفاسیر تخصصی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و این به دلیل اتصال این موضوع با اهداف اولیه و اساسی قرآن است.

سوم: از منظر کلان در تفسیر تربیتی و نگاه تربیتی به قرآن دو نوع فعالیت علمی می‌توان انجام داد؛ ممکن است تفسیر تربیتی را به معنای عام بیان کنیم که شامل هر دو بخش شود یا اصطلاحاتش را جدا کنیم.

هنگامی که با نگاه تربیتی به سراغ قرآن می‌رویم، از یک بعد می‌توان این‌گونه بیان کرد: قرآن در فضای تعلیم و تربیت چه گفته است؟ در این جا با رویکرد و پرسش‌هایی ویژه، نگاهی ویژه به دریای بیکران قرآن می‌اندازیم تا تعالیم مرتبط با مضامین و

محورهای تربیتی مورد اشاره قرآن را استفاده نمائیم. مثلاً روش موعظه، عبرت، انسان‌شناسی و... می‌خواهیم بدانیم قرآن چه فرموده است. می‌خواهیم مضامین آیات قرآن در حوزهٔ تعلیم و تربیت را استخراج کنیم. این کار در حوزه‌های مختلف اقتصاد، سیاست، مدیریت و... هم می‌تواند اعمال شود. اما چیزی دیگر هم در نگاه تربیتی وجود دارد و آن این است که با یک نگاه درجه‌ی دو به تحلیل کارکردهای تربیتی و تأثیر گذاری و تغییر آفرینی قرآن توجه کنیم. این موضوع در حوزه‌های اقتصاد، سیاست و... نیست. چون شأن قرآن شأن هدایت‌گری است و اینها همه به حوزه تعلیم و تربیت مرتبط می‌باشد. طبق فرمایش قرآن که می‌فرماید «مبین، معلم، مزکی» هستیم، نمی‌توانیم ببینیم که قرآن در قلمرو، مبانی و اصول تربیتی، چه می‌گوید، بلکه می‌خواهیم بدانیم که چه کرده است و با چه سازکارهایی به تغییر اخلاقی و معنوی روح و روان انسان پرداخته است.

برای مثال باید دید در؛ دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در کتاب دینی یا بینش اجتماعی نه در باب اخلاق معنویت و... چه گفته است؛ بلکه باید دید با انسان‌ها چگونه رفتار می‌کند. آیا توانسته است آن تغییر را ایجاد بکند یا نه؟ چه فضا و ساز و کاری بر آن حاکم است؟ باید به این کتاب، از جمله ورود و خروجش، کاربرد الفاظش، یا تصاویر موجود در آن به این دید توجه کرد که چه می‌گوید و بلکه باید دید چه می‌کند؟ این در تفاسیر تخصصی دیگر نه به طور کامل و نه به این شکل خاص خیلی مورد توجه واقع نشده است، ولی این مقوله در فضای تعلیم و تربیت و تفسیر تربیتی معنا دارد. این یک اصل مهم است که زاویه دید زیادی باز می‌کند و افق‌گشایی می‌کند.

ما با دو روش می‌توانیم وارد تفسیر تربیتی قرآن شویم. بنابراین تفسیر تربیتی مثل سایر تفاسیر تخصصی موضوعی می‌تواند معنای خاصی داشته باشد و مضامین مطابقی، التزامی و تضمینی آیات و گزاره‌های وحی را کنکاش و استخراج نماید. ولی معنای دیگر شامل تحلیل با نگاه درجهٔ دو و واکاوی و توجه به ساز و کارهای خود آیات در چگونگی تأثیرگذاری بر مخاطب، جامعه و انسان‌ها هدف است. با این نگاه برای مثال سورهٔ حمد که در ابتدای نماز قرائت می‌شود، چگونه تنظیم شده است که هر روز تکرار شود تا تأثیر بگذارد. تنظیم آن، ورود و خروج آن با نگاه جدیدتری همراه خواهد

شد. از قبیل استخراج واژه‌ها، طولانی بودن، و کوتاه بودن آن و بسیاری از راز و رمزهایی که با نگاه دوم آشکار می‌شود.

در نتیجه معنای اول را می‌توان تفسیر و معنای دوم را «تحلیل تربیتی» یا «تفسیر به معنای عام» نامید که شامل هر دو می‌شود. در هر حال باید توجه داشت که هر دو را در برگیرد؛ مثل اینکه در عبادات می‌توانیم تحلیل تربیتی انجام دهیم. یک بار می‌توان گفت عبادات چه مضامینی دارند و عبادت را بررسی کرد و بار دیگر می‌توان توجه کرد که چینش، تنظیم و ترکیب عبادات چگونه می‌تواند تغییر ایجاد کند. این دو تفاوت‌های زیادی با هم دارد و وقتی در کنار هم قرار گیرند، مطالب زیادی به ما الهام می‌کند.

در رویکرد دوم نکات و بحث‌های زیادی هست. ما به چند نکته اشاره می‌کنیم.

نکته اول: شأن نزول‌ها گاهی ضعف سند دارند، ولی در کل می‌توانند نقش مهمی داشته باشند. برای مثال این آیات در فلان موقعیت این گونه نازل شد، یا پیامبر به فلان گونه اقدام کرد و... .

نکته دوم: برای رویکرد دوم چه مقدار اعتبار بخشی می‌توان قایل شد و از لحاظ فقهی و اصولی به آن اعتماد داشت و استفاده کرد؟ این خود با دشواری‌هایی مواجه می‌شود؛ از همان دست دشواری‌هایی که در سیره نیز هست. همان گونه که در سیره عملی، برای خارج کردن حکم و قانون و قاعده از آن، مشکلاتی وجود دارد، در اعتبار بخشی به یافته‌های تربیتی قرآن نیز باید به آن توجه کرد. اما تحلیل تربیتی با این وجود، قطعاً می‌تواند الهام بخش باشد و در تفسیر تربیتی باید به هر دو رویکرد اهتمام داشت.

نکته سوم: واژه تربیت، اصطلاحات و معانی متعددی دارد که در تفسیر تربیتی از دو سه جهت می‌توان به آن اشاره کرد. یکی اینکه «تربیت» اعم از مسائل اخلاقی و تربیتی، به معنای خاص گفته می‌شود و گاهی در مقابل مسائل اخلاقی به کار می‌رود.

همان گونه که می‌دانید ما یک اصول و قواعد اخلاقی داریم؛ چه در حوزه صفات و اوصاف نفسانی (فضائل و رذائل) و چه در حوزه اعمال و افعال اخلاقی. این یک بحث کلی‌ای دارد که در اخلاق مطرح می‌شود مثلاً این صفات قبیح است، حسن و قبحش این گونه است و تجزیه و تحلیل می‌شود. بعد از فراغ از این امر کلان و کلی (که این صفات یا افعال و آن صفات و افعال بد می‌باشند)، دو بحث مطرح می‌شود که در آن، اخلاق و تربیت خوب از هم جدا می‌شوند.

بحث اول: پس از شناخت این صفات، به فضائل و رذائل معرفت پیدا می‌کنیم. حال چگونه خودمان این‌ها را کسب کنیم یا از آنها اجتناب بورزیم. این همان خودسازی می‌باشد، یعنی شخص، مربی خود است و تغییر آفرین و تغییر پذیر یک نفر می‌باشد.

بحث دوم: چگونه دیگران را به این اوصاف متخلّق سازیم و یا آنها را از آن صفات پاک کنیم؛ البته تربیت در حوزه‌های مهارتی و فنی هم گستره دارد، ولی در حوزه اخلاق نمی‌گنجد، اما تزکیه به مفهوم تربیت به معنای خاص - تغییر مربی در مرتبی - است. بر فرض او را شکوفا می‌کند یا چیزی در او ایجاد می‌نماید که شکل دقیق‌ترش در فلسفه تعلیم و تربیت می‌باشد. اما درجه‌ای که بر هم ترتب دارد یکی شناخت فضائل و رذایل می‌باشد و دیگری تخلّق به اینها و کیفیت، اصول، روش‌ها، و شیوه‌های تخلّق یا اجتناب از این مسائل و سومی کیفیت تأثیر گذاری در دیگری. بدین صورت که او را پاک از این رذایل کنیم و متکلف به این رذایل سازیم.

تربیت علاوه بر حوزه فضائل و رذایل، شامل حوزه‌های علم و دانش نیز می‌شود که در اخلاق زیاد وارد نمی‌شود. ترکیب تربیت در تعامل مربی و مرتبی است، ولی تخلّق و خود سازی یک نفر است، ولو به اعتباری می‌توان گفت دوتاست، ولی یک فرد است، مانند طبیعی که خود را معالجه می‌کند.

وقتی می‌گویم تفسیر تربیتی به این نکته باید توجه داشته باشیم که موضع خود را معلوم کنیم. تفسیر تربیتی بالمعنی عام می‌گوییم که شامل اخلاق هم می‌شود یا تفسیر تربیتی بالمعنی الخاص که تزکیه‌اش در تعامل میان معلم و متعلم و مربی و مرتبی می‌باشد. چون بحث کارهای اخلاقی بیشتر انجام شده و تفاسیر اخلاقی - هرچند نه به این عنوان - در لابه لای تفاسیر گنجانده شده، مناسب است تفسیر تربیتی بالمعنی الخاص بشود، یعنی بیشتر فرآیندهایی که میان مربی و مرتبی متصور است، در قرآن مورد توجه قرار گیرد، این که قرآن برای تغییر در دیگری چه توصیه‌هایی دارد، عواملش را چه می‌داند؟ چه مسئولیت‌هایی را قائل است؟ و... .

سال قبل «تفسیر فقهی تربیتی» با بحث «نقش خانواده در تعلیم و تربیت فرزندان» انجام شد و در آن بیست آیه مطرح و بررسی گردید. در آنجا به تفسیر بالمعنی الخاص اشاره شد.

مطلب دیگر اینکه تربیت گاهی در مقابل تعلیم و گاهی به معنای عام به کار می‌رود، که در تفسیر تربیتی، تعلیم و تعلم را در بر می‌گیرد، هم تربیت بالمعنی الخاص در حوزه‌های غیر ذهنی و معرفتی است که آن را در بر می‌گیرد.

نکته دیگر این که تفسیر تربیتی اقسام تفسیر ترتیبی و موضوعی بالمعنی المشهور و بالمعنی الخاص را در بر می‌گیرد که هر کدام بار خاص خود را دارد و در تفسیر تربیتی باید بدان توجه داشته باشیم.

در تفاوت تفسیر موضوعی به معنای مشهور و به معنایی که شهید صدر گفته‌اند، روی دو جهت تأکید شده است: اول این که در تفسیر موضوعی بالمعنی المشهور ما موضوع را از متن می‌گیریم، ولی در تفسیر به معنای خاص مرحوم شهید صدر، موضوع را از خارج گرفته و به آن توجه کرده‌ایم و برای ما سؤال پیش آمده است، لذا این موضوع را بر متن عرضه می‌کنیم. دوم این که در تفسیر موضوعی به معنای مشهور بیشتر تجمیع آیات و تنظیم آیات است ولی مرحوم شهید صدر بر نظریه‌پردازی تأکید دارد، یعنی ما با طرح یک پرسش، نظریه‌ای را از قرآن استخراج کنیم.

هر چند بین این دو نگاه مقداری تفاوت وجود دارد، اما در کل حتی اگر موضوع را از خارج بر متن عرضه کنید، درست است که در موضوعاتی که اگر به قرآن نگاه کنید، سریع به ذهن می‌آید، موضوع را از خود متن گرفته‌اید، و در این جا موضوع را از بیرون آورده‌اید، این تفاوت در مقام اثبات است، ولی در مقام ثبوت موضوعی هم که عرضه بر متن می‌شود، در نهایت باید در متن موجود باشد و گرنه تفسیر صحیح نخواهد شد، یعنی متن باید تاب تحمل عرضه را داشته باشد و در درونش باید غنایی باشد که وقتی فلان پرسش از مکتب، به فرض پایدارگرایی به اصطلاحات قدیم در تعلیم و تربیت، بتواند آن را بپذیرد. عملاً در واقع باید موضوعی را که می‌خواهد از متن خارج کند، در متن نهفته باشد؛ منتها در تفسیر موضوعی مشهور به دلالت مطابقی، التزامی، عرفی و... با یک دقت متعارف وجود داشته است، ولی در اینجا ذهن بسیط بدون درگیری با یک موضوع علمی نمی‌تواند این را بفهمد مگر در متن باشد و اگر نباشد تفسیر به رأی می‌شود، لذا تفاوت اولیه‌ای که بین نظر شهید صدر و مشهور است، تفاوت در مرحله اثبات است، ولی در مرحله ثبوت بالاخره باید این موضوع در متن وجود داشته باشد تا تفسیر صحیح شود. در بحث نظریه‌پردازی هم تفسیر موضوعی

مشهور معنای عامی دارد. حتماً نظریه‌پردازی را هم در بر می‌گیرد؛ متنها گستره بیشتر خواهد داشت، لذا ضمن این که آن دو نکته را قبول داریم و حرف‌های خوبی است اما ممیزهای ثبوتی خیلی عمیقی نیست و بیشتر جنبه اثباتی دارد.

به هر حال در بحث تفسیر تربیتی، هم ترکیبی و هم موضوعی آن متصور است و هر کدام محاسن خود را دارند. در تفسیر موضوعی هر دو نوع معنای موضوعی مهم است. در معنای اول، به فرض، آیات روش موعظه، روش عبرت و... را به سادگی یا با دقتی فی الجمله می‌توانیم جمع‌آوری و تنظیم کنیم. اما معنای دوم (تفسیر موضوعی شهید صدر) اهمیت بالایی دارد و این جاست که علوم تربیتی، دانش‌های تربیتی، و تعلیم و تربیت کارایی زیادی خواهند داشت، یعنی علوم انسانی اصولاً در ارتقای تفسیر موضوعی به معنای عرضه «موضوع» بر متن مهم است با موضوعی که در اعماق متن هست، ولی به سادگی نمی‌توان آن را استخراج کرد، بلکه ذهن باید جای دیگر درگیر شود تا عرضه بر متن ممکن شود. این تفسیر موضوعی بالمعنی الخاص جایی است که علوم تربیتی مؤثر هست؛ همان طور که علوم انسانی، اجتماعی و اصولاً تحولات بشری در تمام حوزه‌ها - علوم انسانی یا طبیعی - مؤثر است. خلاصه ما باید به تفسیر موضوعی به معنای دوم توجه بیشتری داشته باشیم.

دکتر رضایی: در تفسیر تربیتی به چند گونه می‌توانیم عمل کنیم.

اول: استخدام علوم تربیتی در فهم بهتر آیات تربیتی قرآن: گاهی از یک گزاره یا اصطلاح تربیتی می‌توان در فهم آیات تربیتی استفاده کرد. مثلاً «الذین انعمت علیهم» با بحث الگو دهی و الگو پذیری تفسیر می‌شود.

دوم: تطبیق نظریات علمی تربیتی بر قرآن: مثلاً بعضی‌ها نظریه‌های علمی مطرح در علوم تربیتی را با آیات قرآن منطبق می‌کنند. خطر خاص این کار ایجاد احتمال تحمیل تفسیر به رأی است. پس باید گونه‌های تفسیر تربیتی آسیب‌شناسی و ضابطه‌هایش روشن شود تا از آسیب‌ها جلوگیری گردد.

سوم: استفاده از قرآن در نظام تربیتی، به معنای نظریه پردازی تربیتی براساس قرآن. از طرف دیگر از مباحث تربیتی قرآن می‌توان دو نوع استفاده داشت. یک بار می‌توان نگاه کلی به محتوای قرآن داشت، و یک نظام تربیتی از آن استنباط کرد، و بار دیگر می‌توان پیام تربیتی هر آیه را به صورت خاص استنباط نمود.

در اسلوب تفسیر تربیتی از تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی می‌توان استفاده کرد. اضافه می‌کنم که تفسیر ترتیبی دو صورت (به ترتیب نزول و به ترتیب مصحف) دارد. (۱) از ابتدای قرآن به جلو می‌رویم و تفسیر تربیتی را مطرح می‌کنیم، همان گونه که نمونه، المیزان و ... این کار را انجام داده‌اند.

(۲) به شیوه تربیتی پیامبر ﷺ برای تربیت جامعه انسانی عمل می‌کنیم که به ترتیب نزول قرآن بود و از سوره «علق» شروع می‌شد و مسیری را در تربیت انسان‌ها می‌پیمود. حتی این بحث مطرح می‌شود که اگر ما در شرایط مکی باشیم، باید چگونه نظام تربیتی قرآن را پیاده کنیم و اگر ما در شرایط مدنی بودیم، چطور. این مسائل جای بحث دارد و من خواستم طرح بحث نمایم. که نگاه تفسیری همیشه به ترتیب مصحف نیست و به ترتیب نزول هم می‌تواند باشد.

در تفسیر موضوعی به چهار گونه می‌توان عمل کرد.

اول: درون قرآنی سنتی: روشی که بسیاری از مفسران پیش گرفته‌اند. آنان موضوع را از متن گرفته، آیات موافق و مخالف را بررسی کرده‌اند.

دوم: شیوه شهید صدر: موضوع از بیرون اخذ و به صورت سؤال بر قرآن عرضه می‌شود؛ مانند سکولاریسم از منظر قرآن.

سوم: میان رشته‌ای: در تفسیر تربیتی این شیوه خیلی کارایی دارد؛ این که یک موضوع از دو نگاه بررسی شود، مثلاً مسئله تربیت کودک را می‌توان با یک نگاه تربیتی محض بررسی کرد یا از نظر قرآن.

چهارم: بررسی مقارن و تطبیقی، مثلاً تربیت انسان از نگاه قرآن و عهدین بررسی شود.

آقای بناری: من چند نکته را یادآوری می‌کنم.

نکته اول: اصولاً مراد از تفسیر تربیتی چیست؟ به نظر من تفسیر تربیتی چند معنا می‌تواند، داشته باشد.

۱. تفسیر آیات تربیتی، یعنی کاری که شبیه آن را در آیات الاحکام داریم. پس آیاتی را که وجوه تربیتی آن‌ها بیشتر آشکار است، در یک مجموعه قرار می‌دهیم.

۲. بیان نکات تربیتی آیات، در این معنا در بند آیات خاص و تربیتی نیستیم، بلکه اگر در مجموعه آیات نکته‌ای تربیتی بود، آن را برجسته و بیان می‌کنیم.

۳. داده‌های تعلیم و تربیتی رسمی، داده‌های علوم تربیتی چه هستند؟ ما از این داده‌ها و دست‌آوردهای علوم تربیتی در تفسیر آیات استفاده می‌کنیم. در این معنا آیات شبیه تفسیر روان‌شناختی، تفسیر اقتصادی و تفسیر سیاسی است.

۴. ما سراغ قرآن می‌رویم تا ببینیم چه شیوه خاص تربیتی ارائه می‌دهد. در واقع یک نگاه بیرون و یک نگاه روش‌شناختی داریم؛ نه نگاه محتوایی یا تحلیلی. می‌خواهیم ببینیم قرآن چه شیوه تربیتی خاصی دارد. در واقع با کشف این شیوه، می‌توانیم به تفسیر آیات پردازیم.

۵. به رسالت و کارکرد اصلی قرآن برگردیم و به این پرسش پاسخ دهیم ببینیم که آیا قرآن کتاب سیاست، اقتصاد، روان‌شناسی یا جامعه‌شناسی است یا رسالت قرآن غیر از این‌ها است؟ در قرآن تعبیر «هدایت» را داریم. «هدی للمتقین، هدی للناس و...» (هدایت برای متقین و هدایت برای مردم)

به نظر من قرآن کتاب تربیت است. تربیت عام‌تر از معنای خاص هدایت است. قرآن غیر از اسم هدایت بودن، تعابیر دیگری نیز دارد؛ مثلاً «شفاء لما فی الصدور». اگر قرآن کتاب تربیت شد، باید به همه آیات با این پیش‌فرض (نگاه تربیتی) نگاه کنیم و یک انتظار تربیتی از آن داشته باشیم، حتی آیات کیهان‌شناسی، طبیعت و ... در این صورت باید به همه آیات با نگاه تربیتی نگاه کرد، یعنی با این پیش‌فرض، همه آیات - مستقیم یا غیر مستقیم - هدف تربیتی دارند. فرق تفسیر تربیتی با سایر تفاسیر در همین است. در سایر تفاسیر حاکمیت کلی تربیت نیست؛ بلکه به صورت بخشی است. ممکن است به تعدادی آیات در زمینه‌های مختلف اشاره کنیم، ولی دیگر نمی‌توان به تمام آیات جهت تربیتی داد. در اینجا است که بحث تفسیر به رأی به عنوان یک آسیب مطرح می‌شود، ولی در این معنا دیگر این مشکل نیست و یا خیلی کم‌تر است. به هر حال با این معنا که قرآن کتاب تربیت و انسان‌سازی است، همه آیات را می‌توان با رویکرد تربیتی تفسیر کرد. شاید بتوان معنای دیگری هم گفت که شاید با دیگران هم تداخل داشته باشد و آن این است که ما نمی‌توانیم تمام آیات را با رویکرد تربیتی تفسیر کنیم، بلکه جهت‌گیری کلی را تربیتی قرار می‌دهیم و همین مقدار کافی است. شبیه چیزی که می‌گوییم رشته قرآن و علوم با گرایش تربیتی. حال این گرایش تربیتی است، ولی همه مضامین یک رشته تربیتی نیست، لزوماً شما چیزهای دیگر را هم می‌خوانید.

اگر بخواهیم تفسیر تربیتی کنیم، ناچاریم معنا و ماهیت تربیت را در نظر داشته باشیم. در معنای تربیت می‌توان گفت سه اصطلاح کلی متصور است.

الف. تربیت به معنای علوم تربیتی

ب. تربیت به معنای نظام تربیتی

ج. تربیت به معنای فرآیند و عمل تربیت.

در بحث تربیت به معنای علوم تربیتی بحث نظیر سایر تفاسیر از جمله سیاسی و روان‌شناختی می‌باشد؛ چرا که علوم تربیتی، علوم‌هایی هستند مانند علوم جامعه‌شناختی، آموزش و پرورش تطبیقی، اهمیت آموزشگاهی، روانشناسی تربیتی و... که این‌ها در دایره علوم تربیتی می‌باشد بنابر این اگر ما از این طریق به معنای تربیتی بپردازیم، باید سراغ همین‌ها برویم. به همین دلیل محدود می‌شویم و نمی‌توانیم نگاه کلان و عمیق به تفسیر تربیتی داشته باشیم. در نتیجه فرق ممیز تفسیر تربیتی با سایر تفاسیر را نخواهد داشت.

گاهی تربیت به معنای نظام تربیتی است، یعنی شما تربیت را به صورت نظام واره و در یک چارچوب کلان منطقی می‌بینید که بحث اصول، مبانی، شیوه‌ها، مراحل و .. مطرح است. و گاهی بحث به معنای فرآیند تربیتی است و خود عمل تربیت که در واقع همان معنای عام و گسترده تربیت از روی تأثیر گذاری و تأثیر پذیری می‌باشد. اگر این معنا را بگیریم، با توجه به این معنا بحث قلمرو تربیت مطرح می‌شود و این بسیار جالب می‌شود و ما را کمک می‌کند تا معنایی را که مهم است به دست آوریم و آن این که تربیت دارای ساحت‌های مختلف می‌باشد. ملاک این ساحت‌ها چیست؟ تا چند ساحت می‌توان داشت و پایانش کجاست؟ که شامل ساحت (جسمانی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، معنوی و...) می‌باشد. اگر این لایه‌های وسیع را برای تربیت در نظر بگیریم، خیلی راه باز و خیلی فرصت ایجاد می‌شود و حتی در آن معنا خیلی راحت می‌شویم. مثلاً وقتی شما تفسیر سیاسی آیات سیاسی داشته باشید، می‌شود تربیت سیاسی. آیات مربوط به طبیعت و جسم و... می‌شود تربیت جسمانی، و روابط ارتباطی و اجتماعی می‌شود تربیت اجتماعی و... تمام قرآن را با این توصیف معنوی که همین گونه نیز هست، می‌توان تفسیر کرد، یعنی جای کار پیدا می‌شود. این فرصت را در هیچ کدام از تفاسیر دیگر نمی‌توان مشاهده کرد. طبیعتاً این بحث هم مطرح می‌شود که حالا طبق این بیان از وجوه مناسب‌تر کمک می‌گیریم؛ که هم از داده‌های علوم تربیتی استفاده

کنیم چون این داده‌ها در خدمت عمل تربیت هستند و هم از آیات در ابعاد مختلف، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... استفاده کنیم و اگر روش خاص قرآن را کشف کردیم - شیوه‌های جدیدی را که قرآن ارائه می‌دهد - در آن مفهوم گسترده‌تری تأثیر گذاری تأثیر پذیری و فرآیند تربیت، استفاده کنیم. نکات تربیتی را می‌توانیم در همین جا بیاوریم رویکرد تربیتی را هم داشته باشیم. این وجه می‌تواند وجه جامعی باشد و هم همه آیات قرآن را به نحوی با توجه به قلمرو مختلف علوم تربیت پوشش دهیم.

بحث دیگری هست که فقط به آن اشاره می‌کنم؛ همان طور که در بحث غیر تربیتی مطرح می‌شود، «شیوه» می‌باشد، مانند: تفسیر روایی، قرآن به قرآن، اجتهادی، عقلانی یا مجموعه‌ای از این‌ها. به نظر می‌رسد در بحث تعلیم و تربیت از تمام این روش‌ها می‌توان کمک گرفت. اگر با این روش وارد تفسیر شویم، حقایق دیگری از قرآن را می‌توان کشف کرد، حتی مسائلی که هنوز برایمان مطرح نشده است یا جست و جو نکرده‌ایم یا به صورت عملی برایمان پیش نیامده است. با این نگاه این فرصت‌ها هم ایجاد می‌شود. آن وقت است که جایگاه و نقش تربیتی قرآن بیشتر روشن می‌گردد.

آخرین بحث راجع به تربیت موضوعی یا ترتیبی این است که هر دو انجام می‌گیرد، ولی ما ناچاریم حتی اگر تفسیر ترتیبی ارائه دادیم، در نهایت به تفسیر موضوعی بپردازیم. تفسیر موضوعی به این معنا که شما بیاید آیات را در قالب شبکه ببینید، چون قرآن یک موضوع را به تمامی یک جا بیان نمی‌کند و گاه یک موضوع را در آیات مختلف بیان می‌کند. بنابراین اگر بخواهیم همان نگاه نظام واره را به تربیت داشته باشیم و هم یک موضوع را به صورت عمیق و همه جانبه بفهمیم، ناچاریم آیات مختلف در سراسر قرآن در رابطه با یک موضوع را با هم ببینیم. یعنی اگر ترتیبی هم دیدیم، باید در یک روش آماری، فراوانی آیات در موضوعات مختلف را استخراج کنیم و بعد با در کنار هم قرار دادن این نمونه‌ها، بتوانیم به یک تفسیر تربیتی مناسب دست یابیم.

آقای اعرافی: در تأکید فرمایشات آقای بناری عرض کنم: اگر ما در تفسیر ترتیبی یا موضوعی اعتبار و حجیت می‌خواهیم، روایت و قرائن عقلی لازم هست، چون تفسیر ترتیبی ممکن است ده نکته بدهد که در موضوعی به دست نیاید. تفسیر موضوعی حتماً باید باشد، یعنی یک آیه هم بخواهیم تحلیل کنیم، حتماً باید به آیات مرتبط مراجعه

کنیم و آن هم باز کافی نیست، یعنی وقتی به حجیت می‌رسیم، که آن روایت را هم ببینیم. قرائن عقلی آن را ببینیم. نگاه ما نباید این باشد که یا این یا آن! پس همه باید با هم باشند تا به حجیت برسیم.

دکتر رضایی: در تأکید فرمایشات آقای اعرافی عرض می‌کنم که اگر نظر قرآن را بخواهیم، باید آیات قرآن را با هم مقایسه و بررسی کنیم، اگر قرآن را با روایات بررسی کنیم نظر قرآن و سنت به دست می‌آید و اگر قرآن را با روایت، عقل و قرائن معتبر دیگر بررسی کردیم، مجموعه این‌ها نظر اسلام خواهد شد. بنابراین در تفسیر تربیتی باید شیوه تفسیری داشته باشیم؛ همان گونه که مرحوم علامه در پیش گرفت. یعنی هم تفسیر ترتیبی می‌کرد و هم به مناسبت به موضوعات خاص، به صورت موضوعی می‌پرداخت.

پرسش: تعریف تربیت و محتوای آن چیست؟ گاهی اوقات اقتصاد، سیاست، اجتماع و ... را در بر می‌گیرد، مرز تربیت با سایر مباحث چگونه جدا سازی می‌شود؟

آقای اعرافی: تفسیر تربیتی همهٔ ساحت‌های تربیت را شامل می‌شود، تربیت اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و ... منتها در تربیت، نگاه ما این است که چگونه در فرد (در حوزه بینش و عمل) تغییر ایجاد کنیم، اما در بحث اقتصادی بحث این است که فلان قانون را که فلان اقتصاددان گفته، قرآن قبول دارد یا نه؟ یا آموزه‌های اقتصادی قرآن چیست؟ اما بحث تربیت این طور نیست؛ بلکه تربیت اقتصادی، یعنی این که در ساحت تربیت اقتصادی، در آن بعد اقتصادی و یا تغییر رفتارهای اقتصادی منطبق با اسلام و قرآن چگونه عمل کرده است. بنابراین کاملاً همین گونه است. اگر شما تفسیر تربیتی گفتید همهٔ ساحت‌ها را در بر می‌گیرد، تربیت عقلانی، تربیت اجتماعی، مدیریتی و ... ولی معنای آن تداخل نیست. تفسیر سیاسی جای خود را دارد و تفسیر اقتصادی هم جای خود را دارد. آنجا دیگر نگاه ما این است که در حوزه اقتصاد قرآن مبنای مالکیت را چه می‌داند؟ قانون عرضه و تقاضا را قبول دارد یا نه؟ در تفسیر تربیتی بحث این است که اسلام این اقلام اقتصادی را پذیرفته است، حال اسلام این را هدف‌گیری کرده است و برای تحقق آن آیات قرآن این گونه با انسان تعامل می‌کند، لذا دو رویکرد می‌باشد و تداخلی ندارند. گرچه هر تربیتی در هر حوزه‌ای مبانی خاص خود را استفاده می‌کند، یعنی تربیت اخلاقی که می‌گویید مبانی اخلاقی در فضای کار کرد تربیتی از آن

استفاده می‌کند، بنابر این تفاوت هست و تداخل ایجاد نمی‌شود و شمولش هم طبیعتاً همین می‌شود. وقتی ما می‌گوییم همهٔ ساحت‌ها را می‌گیرد و تفسیر تربیتی به تمام آن ساحت‌ها نیز باید پردازد؛ همان طور که شمولش، تحلیل تربیتی که عرض شد معنایش این است، یعنی دیگر ما مقید به آیات خاصی نیستیم و همهٔ آیات قرآن یک تحلیل تربیتی دارد و این دو نکته باعث اختلاف نمی‌شود.

قلمرو تفسیر تربیتی

غلام حسین ناطقی

دانشجوی دکتری قرآن و علوم جامعه المصطفی علیه السلام العالمية

چکیده

قرآن کریم دریای بی پایانی است که اندیشمندان از زاویه‌های گوناگون به آن نگرسته و به تفسیر و تحلیل آیات آن پرداخته‌اند و بدون اغراق می‌توان ادعا کرد هیچ کتابی مانند قرآن مورد تحلیل و تفسیر اندیشمندان قرار نگرفته است. به رغم این توجه گسترده، متأسفانه هدف اصلی قرآن که هدایت و تربیت انسان‌هاست، مورد غفلت قرار گرفته است و تا کنون از این زاویه به آن نگرسته نشده است. به همین دلیل تاکنون کسی در باب قلمرو تفسیر تربیتی اظهار نظر نکرده است. نوشته حاضر تلاش می‌کند قلمرو تفسیر تربیتی را تحلیل و کنکاش کند. نویسنده پس از طرح دو دیدگاه در این باره، به بررسی آنها می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که تمام آیات قرآن قابل تفسیر تربیتی است و برای اثبات این مدعا سه دلیل و تقریب ارائه می‌دهد.

واژه‌های اصلی: قرآن، قلمرو، تفسیر، تربیتی، اجتماعی.

مقدمه

به رغم اعتراف اندیشمندان به هدایتگری معجزه آسای قرآن^[۱] تا کنون از این زاویه به قرآن نگرسته نشده است، لذا هدف اصلی قرآن - هدایت و تربیت انسان‌ها - مورد غفلت و بی توجهی قرار گرفته است و اگر گاه توجهی به آن شده، بسیار ناچیز و اندک بوده است. همین امر باعث گردیده تاکنون کسی در باب قلمرو تفسیر تربیتی اظهار نظر نکند. بنابراین بررسی قلمرو تفسیر تربیتی، موضوعی ضروری به نظر می‌رسد.

دیدگاه‌ها

در مورد اینکه گستره تفسیر تربیتی تمام آیات یا بخشی از آن را در برمی‌گیرد، می‌توان دو دیدگاه زیر را فرض کرد:

الف: دیدگاه حداقلی

بر اساس این دیدگاه تنها بخشی از آیات هدف تربیتی دارند و قابل تفسیر تربیتی‌اند، زیرا استخراج و استنباط نکات تربیتی از برخی آیات امکان ندارد. مثلاً از فواتح سوره یا برخی آیات تاریخی هیچ نکته تربیتی به دست نمی‌آید و آیاتی هم که قرآن را کتاب هدایت معرفی می‌کنند، مجموع آیات را در نظر دارند؛ نه تک تک آنها را، بنابر این دسته از آیات نیز نمی‌توانند دلیلی بر این باشند که تک تک آیات قرآن هدف تربیتی دارند.

ب: دیدگاه حداکثری

طبق دیدگاه حداکثری، تمام آیات اهداف و نکات تربیتی دارند و می‌توان تمام آنها را تفسیر تربیتی کرد، چرا که به تصریح بسیاری از آیات، هدف از نزول قرآن هدایت انسان‌ها است و این هدف باید در تک تک آیات الهی وجود داشته باشد؛ و تمایز بین آیات در این باره وجهی ندارد، لذا دیدگاه حداقلی دلیل قابل توجهی ندارد و دلیل آن نمی‌تواند دیدگاه حداقلی را به اثبات برساند.

ج: دیدگاه برگزیده

ما دیدگاه خود را ضمن چند نکته بیان می‌کنیم و به اندازه توان توضیح می‌دهیم:

تکته اول

قرآن در بسیاری از آیات، به عنوان کتاب هدایت و تربیت معرفی شده است، مثلاً خداوند در سوره بقره می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾، (بقره/۲)؛ «آن کتاب [با عظمت] هیچ تردیدی در آن نیست. [و] راهنمای پارسایان (خود نگهدار) است».

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْقُرْآنِ﴾ (بقره / ۱۸۵)؛ «ماه رمضان (ماهی است) که قرآن در آن فرو فرستاده شد، در حالی که [آن قرآن] راهنمای مردم و نشانه‌هایی از هدایت و جدا کننده [حق از باطل] است».

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (صف / ۹)؛ «او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند».

علامه طباطبایی درباره آیه اخیر می‌نویسد: منظور از هدایت در این آیه، قرآن است به دلیل اینکه در آغاز سوره بقره فرمود: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه، ۱۰ / ۵۷۰).

در سوره جاثیه نیز در توصیف قرآن می‌خوانیم:

﴿هَذَا بَصَائِرُ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ (جاثیه / ۲۰)؛ «این (قرآن) دلیل‌های بینش آور برای مردم است؛ و رهنمود و رحمتی است برای گروهی که یقین آورند».

﴿...الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (سبا / ۶)؛ «آنچه از پروردگارت به سوی تو فروفرستاده شده، فقط حق است؛ و به سوی راه (خدای) شکست‌ناپذیر ستوده رهنمون می‌شود».

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس / ۵۷)؛ «ای مردم! بیقین از طرف پروردگارتان برای شما، پندی و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان، آمده است».

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾، (اسراء / ۹)؛ «در حقیقت این قرآن، بدان (شیوه‌ای) که آن پایدارتر است،

راهنمایی می‌کند؛ و به مؤمنانی که [کارهای] شایسته انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداش بزرگی است».

﴿قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (احقاف / ۳۰)؛ «گفتند: «ای قوم ما! در حقیقت ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی فرو فرستاده شده است، در حالی که مؤید (کتاب‌های) پیشین است (و) به سوی حق و به سوی راهی راست، راهنمایی می‌کند».

پرسشی که مطرح می‌شود این است که مراد از این آیات چیست؟ و هدایت در این آیات به چه معناست آیا منظور این است که تمام آیات قرآن اهداف هدایتگری و تربیتی دارند؛ یا این که تمام آیات را می‌توان تفسیر تربیتی نمود؛ یعنی از مدلول مطابقی تمام آیات قرآن، می‌توان نکته یا نکات تربیتی به دست آورد.

توضیح: ممکن است برخی آیات با مدلول مطابقی یا التزامی بر نکته یا نکات تربیتی دلالت نداشته باشد، ولی اگر تحلیل شود و در کنار یک نکته عقلی، یا نکات برگرفته از آیات دیگر یا روایات، شأن نزول، قاعده علمی قطعی و... قرار گیرد، نکته و یا نکات تربیتی از آنها به دست می‌آید. بنابر این می‌توان گفت این نوع آیات اهداف تربیتی دارد، ولی قابل تفسیر تربیتی به معنای خاص نیست؛ چرا که با مدلول مطابقی و التزامی نمی‌تواند بیانگر نکته یا نکات تربیتی باشد و منظور ما از معنای اول (تمام آیات قرآن اهداف تربیتی دارند)، همین است. منظور از معنای دوم (تمام آیات را می‌توان تفسیر تربیتی نمود) این است که تمام آیات قرآن با دلالت مطابقی یا التزامی بر نکته یا نکات تربیتی دلالت دارند و از مدلول مطابقی تمام آیات قرآن می‌توان نکته یا نکات تربیتی به دست آورد.

اگر مراد از هدایت در آیات شریفه، معنای اول (تمام آیات قرآن اهداف تربیتی دارند) باشد، بدون تردید دیدگاه حداکثری مقرون به صواب و به نظر ما حق است، چرا که تفسیر آیات قرآن بدون در نظر داشت سایر آیات و قراین عقلی و نقلی، تفسیر ناقص است یا تفسیر نیست. به عبارت دیگر مفسر زمانی می‌تواند مدلول آیه را به خداوند نسبت دهد که کلیه قراین و شواهد مربوط به موضوع آیه را، ببیند و تحلیل کند وگرنه نمی‌تواند آن را به صورت قطعی به خداوند نسبت دهد. اگر این تحلیل را در باره این آیات (آیاتی که قرآن را هدایتگر، معرفی می‌کنند) بپذیریم، تمام آیات قرآن،

حتی فواتح سور در قلمرو تفسیر تربیتی قرار می گیرند. برای نمونه درباره فواتح سور دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد^[۲] و یکی از آنها این است که این واژه‌ها رمزی بین خداوند و پیامبر ﷺ است.^[۳] اگر مفسری این دیدگاه را در باره فواتح سور پذیرفت. نکته تربیتی‌اش این می شود که باید اسرار را حفظ نمود و در اختیار دشمن قرار نداد.

نکته دوم^[۴]

«تربیت» در پژوهش‌های آموزشی و تربیتی جهان امروز به ابعاد متعددی همچون: تربیت جسمانی، عاطفی، عقلانی، اخلاقی، دینی، معنوی، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی، جنسی، اجتماعی و... تقسیم می‌شود. اگر بخواهیم از این زاویه به قلمرو تفسیر تربیتی بنگریم و آیات قرآن را از این زاویه نگاه کنیم، می‌بینیم بازهم تمام آیات قرآن قابل تفسیر تربیتی است. در ذیل برخی از این آیات را بررسی می‌کنیم.

تربیت جسمانی

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ * قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (اعراف / ۳۱ - ۳۲)؛ «ای فرزندان آدم! زیور[های]تان را در هر مسجدی برگزید؛ و بخورید و بیاشامید، و [لی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد * [ای پیامبر] بگو: «چه کسی زیور[های] الهی را که برای بندگانش پدید آورده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «این[ها] در زندگی پست (دنیا)، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ (اگر چه دیگران نیز از آنها استفاده می‌کنند،) در حالی که در روز رستاخیز مخصوص (مؤمنان) خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای گروهی که آگاهند، شرح می‌دهیم.»

﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ﴾ (طه/۸۱)؛ «(و گفتیم:) از [خوراکی‌های] پاکیزه (از) آنچه به شما روزی داده‌ایم، بخورید، و در (مورد) آن طغیان مکنید.» این گونه آیات به تربیت جسمانی اشاره دارند و از این زاویه قابل تفسیر تربیتی‌اند.

تربیت عاطفی

بسیاری از آیات قرآن به تربیت عاطفی اشاره دارند و قابل تفسیر تربیتی در بعد عاطفی‌اند. از جمله این آیه شریفه:

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه/۷۱)؛ «مردان مؤمن و زنان مؤمن برخی از آنان یاوران (و دوستان) برخی [دیگر]‌اند. به [کار] پسندیده فرمان می‌دهند، و از [کار] ناپسند منع می‌کنند؛ و نماز را به پا می‌دارند؛ و [مالیات] زکات را می‌پردازند؛ و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت می‌کنند؛ آنان، خدا بزودی مورد رحمت قرارشان می‌دهد؛ بدرستی که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است».

این آیه، در صدد شکوفا سازی عواطف و احساسات متدینان است و با اشاره به این نکته که مؤمنان یار و یاور یکدیگرند، می‌خواهد نوع دوستی را در آنان شکوفا سازد.

تربیت اجتماعی

بخش زیادی از آیات قرآن، به تربیت اجتماعی اشاره دارند از قبیل این آیات:

﴿بِأَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾؛ (حجرات/۱۳)؛ «ای مردم! در واقع ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را نژادها و قبیله‌هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا خودنگهدارترین (و پارساترین) شماست؛ برآستی که خدا دانای آگاه است».

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نحل/۹۰)؛ «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد، و از فحشا و منکر و ستم نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد تا متذکر شوید».

تربیت عقلانی

بخشی از آیات قرآن به تربیت عقلانی اشاره دارند و در پی رشد قوه عقلانی بشرند. کلیه آیاتی که در آنها از تعقل، تدبّر، تفکر، تفقّه، سیر در هستی و مفاهیمی از این دست، سخن به میان آمده، در حقیقت به این بعد از ابعاد تربیت اشاره دارند، مثل:

﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (حدید/۱۷)؛ «بدانید که خدا زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند؛ بیقین نشانه‌های (خود) را برای شما بیان کردیم، باشد که شما خردورزی کنید».

﴿كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (بقره/۲۴)؛ «و اگر (چنین) نکرديد - و (هرگز) نخواهید کرد - پس [خود را] از آتشی حفظ کنید که همیزم آن مردم و سنگ‌هاست در حالی که برای کافران آماده شده است».

﴿وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (نحل / ۱۲)؛ «و (منافع) شب و روز و خورشید و ماه را مسخّر شما کرد؛ و (نیز منافع) ستارگان به فرمان (و تدبیر) او مسخّر (شما) هستند؛ قطعاً در آن[ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که خردورزی می‌کنند».

تربیت اخلاقی

بخشی زیادی از آیات قرآن به تربیت اخلاقی انسان‌ها اشاره دارند و در پی پرورش فضیلتی از فضائل اخلاقی یا محو رذیلتی از رذائل اخلاقی در انسان می‌باشند.

از جمله آیاتی که به تربیت اخلاقی دلالت دارند، این آیات شریفه‌اند:

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (آل عمران/۱۸۰)؛ «و کسانی که [نسبت] به آنچه خدا از بخشش خود به آنان داده، بخل می‌ورزند، هرگز نپندارند که آن [بخل] برای آنان خوب است؛ بلکه آن برای شان بد است؛ بزودی در روز رستاخیز، آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، طوق گردنشان خواهد شد».

﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ

وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/۳۵)؛ «در حقیقت، مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردان فرمانبردار [فروتن] و زنان فرمانبردار [فروتن]، و مردان راستگو و زنان راستگو، و مردان شکیبا و زنان شکیبا، و مردان فروتن و زنان فروتن، و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، و مردانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند و زنانی که (دامان خویش را) حفظ می‌کنند، و مردانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند و زنانی که (خدا را فراوان) یاد می‌کنند، خدا برای آنان آمرزش و پاداش بزرگی آماده کرده است.»

تربیت عبادی

برخی آیات قرآن به تربیت عبادی دلالت دارند، مثل:

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾؛ (غافر/۶۰)؛ «و پروردگار شما گفت: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! در واقع کسانی که نسبت به پرستش من تکبر می‌ورزند بزودی با خواری وارد جهنم می‌شوند.»»

نکته سوم

اگر به تفسیر قرآن از زاویه ارکان و عناصر تربیت نگاه کنیم، باز هم تمام آیات قابل تفسیر تربیتی است. توضیح اینکه تربیت دارای ارکان و عناصری همچون: مبانی، (ر.ک. به: مبانی تربیت از دیدگاه قرآن) اصول، روش‌ها، اهداف، مراحل، عوامل، موضوع تربیت (متربی = انسان)... است. حال اگر بخواهیم قرآن را از این زاویه مورد مطالعه قرار دهیم، باز تمام آیات قابل تفسیر تربیتی است و هر آیه‌ای به یکی از ارکان و عناصر تربیت اشاره دارد؛ یا مبنایی از مبانی تربیتی را بیان می‌کند، مثل آیاتی که از هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی سخن می‌گویند یا عهده‌دار تبیین اصلی از اصول تربیتی‌اند، مثل آیاتی که از بایدها و نبایدها سخن می‌گویند، یا روشی از روش‌های تربیتی را بیان می‌کند. بسیاری از آیات تاریخی قرآن و یا فواتح سور اینگونه‌اند. یا هدفی از اهداف تربیتی قرآن را بازگو می‌کند، یا به مرحله‌ای از مراحل تربیت اشاره دارد، یا به تبیین عاملی از عوامل یا مانعی از موانع تربیت می‌پردازد. ما چند نمونه از این نوع آیات را گزارش و به اختصار بررسی می‌کنیم.

انسان شناسی

تعداد زیادی از آیات قرآن به تبیین ماهیت و ویژگی‌های انسان می‌پردازند و در پی معرفی انسان قرآنی‌اند. این نوع آیات بیانگر مبنایی از مبانی تربیت می‌باشند و از این زاویه قابل تفسیر تربیتی‌اند، مانند:

﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ * فَاذًا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (ص / ۷۱ - ۷۲)؛ «(یادکن) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «در واقع من آفریننده بشری از گل هستم * و هنگامی که او را مرتب نمودم و از روح خود در او دمیدم، پس برای او سجده‌کنان درافتید».

هستی شناسی

برخی از آیات دیدگاه قرآن را در باره هستی بیان می‌دارند، مانند:

﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (آل عمران / ۱۹۱)؛ «(همان) کسانی که [در حال] ایستاده و نشسته، و بر پهلوهایشان [آرمیده]، خدا را یاد می‌کنند؛ و در آفرینش آسمان‌ها و زمین تفکر می‌کنند؛ (در حالی که می‌گویند: ای) پروردگار ما! این [ها] را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزهی تو؛ پس ما را از عذاب آتش، حفظ کن!».

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَآعِبِينَ﴾ (انبیاء / ۱۶)؛ «و آسمان و زمین، و آنچه را در میان آن دوست به بازیچه نیافریدیم».

این نوع آیات، نیز قابل تفسیر تربیتی می‌باشند، چرا که در صدد تبیین مبنایی از مبانی تربیت در قرآن (هستی شناسی) هستند.

روش‌های تربیتی

بخشی از آیات قرآن عهده‌دار تبیین روش‌های تربیتی قرآن هستند، مثل آیه ۱۵۹ سوره آل عمران که روش محبت را به عنوان یکی از روش‌های تربیتی قرآن بیان می‌دارد و خطاب به پیامبر اعظم می‌فرماید:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ (آل عمران / ۱۵۹)؛ «و به سبب رحمتی از جانب خدا با آنان نرم‌خو شدی؛ و اگر (بر

فرض) تندخویی سخت دل بودی، حتماً از پیرامونت پراکنده می شدند».

اهداف تربیت: تعداد دیگری از آیات قرآن، به اهداف تربیتی اشاره دارند. این دسته از آیات نیز فراوان است مانند:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (نحل / ۳۶)؛ «و بیقین در هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم (تا بگویند) که: خدا را پرستید؛ و از طغیان‌گران (ان و بت‌ها) دوری کنید. پس، برخی از آنان کسانی هستند که خدا (آنها را) راهنمایی کرده؛ و برخی از آنان کسانی هستند که گمراهی بر آن (ان) ثابت گردیده است. پس در زمین گردش کنید و بنگرید، که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است».

﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (انعام / ۱۵۳)؛ «و این راه راست من است؛ پس از آن پیروی کنید؛ و از راه‌ها [دیگر] پیروی نکنید، که شما را از راه او پراکنده می‌سازد؛ این [ها] است که [خدا] شما را به آن [ها] سفارش کرده، تا شاید شما [خود را] حفظ کنید».

نتیجه

از مجموع مطالب می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه حداکثری در باب قلمرو تفسیر تربیتی قرآن مقرون به صواب است، یعنی تمام آیات قرآن قابل تفسیر تربیتی است و این ادعا از سه راه اثبات‌پذیر می‌باشد؛ یک: آیاتی که قرآن را کتاب هدایت و تربیت معرفی می‌کنند؛ دو: ابعاد و ساحت‌های تربیت؛ یعنی تربیت دارای ساحت‌ها و ابعاد مختلف و گوناگونی است و آیه در قرآن نیست؛ مگر اینکه به یکی از آن‌ها اشاره دارد. سه: ارکان تربیت که اگر از این زاویه به قرآن نگریسته شود، تمام آیات قابل تفسیر تربیتی است.

پیوست:

[۱] برای نمونه گوستاولوبون، در باره نقش تربیتی قرآن می گوید: «هر نوع سیستم تربیت جدید برای بشر سه دوره لازم دارد تا به تدریج از آن بهر مند شوند و در پایان امر برای نسل سوم ثمر بخش شود، ولی قرآن چنان کتابی است که آثار تربیتی اش را در همان نسل اول به حد کمال نشان داد و امتی را تربیت کرد که در کمتر از یک قرن، بر سه قاره آسیا و آفریقا و اروپا (اسپانیا) حکومت نمود. به هر حال عظمت، شأن و مقام قرآن بالاتر از آن است که در این مقدمه بگنجد، ولی با لحن قاطع می توان گفت قرآن کتابی است که چگونه روی زمین زندگی کردن را به بشر آموخته و هم اکنون به سهولت می توان چگونه زندگی کردن را به همه یاد داد» (فلسفه تربیتی اسلام، ۹).

[۲] برای اطلاع بیشتر از دیدگاهها درباره حروف مقطعه، ر.ک. به: التمهید فی علوم القرآن ۵ / ۳۰۸؛ من وحی القرآن ۱ / ۱۰۰ به بعد.

[۳] علامه بلاغی در این مورد می نویسد: «جای تعجیبی نیست که در قرآن، گفتگوهای رمزی و اشاره به اسرار خصوصی که تنها با رسول گرامی و اُمّای وحی انجام گرفته باشد». (آلاء الرحمن، ۱ / ۶۴).

[۴] این نکته در سال ۱۳۸۶ به ذهنم رسید و در کنفرانسی که در کلاس استاد معظم دکتر رضایی اصفهانی داشتم، مطرح کردم که برخی از دوستان حاضر به شدت مخالفت کردند و من از آن دفاع نمودم و در نهایت به دیدگاه واحدی نرسیدیم. تا اینکه در تاریخ ۸۷/۸/۲۲ نشست تخصصی «مبانی و روش شناسی تفسیر تربیتی قرآن» در مدرسه عالی امام خمینی علیه السلام با حضور اساتید معظم حجة الاسلام و المسلمین اعرافی، دکتر رضایی و دکتر بناری برگزار شد. استاد بناری در این نشست مطلب مورد بحث را شکافت و به تبیین آن پرداخت و گفت: «تربیت دارای سه معنا است ۱- علوم تربیتی؛ ۲- نظام تربیتی؛ ۳- فرایند تعلیم و تربیت. اگر «تربیت» را به معنای «فرایند تعلیم و تربیت» بدانیم، آن وقت بحث ساحت های مختلف «تربیت» مطرح می گردد و در این صورت است که دامنه تفسیر تربیتی بسیار وسیع می شود و راه برای ما باز می گردد؛ و با این نگاه همه آیات قرآن، قابل تفسیر تربیتی است...». بنا بر این در تبیین این مطلب مدیون فرمایشات استاد معظم بناری هستم.

منابع و مأخذ:

۱. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی. تا.
۲. بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
۳. الجمالی، محمد فاضل، فلسفه تربیتی اسلام، ترجمه غلام رضا سعیدی، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۵۴.
۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۶.
۵. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۶. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۹ق.
۷. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۲۱ق.